

طواف و محدوده آن از نگاه فقیهان مسلمان*

محمد زروندی رحمانی**

چکیده

مبحث محدوده طواف همواره مورد توجه فقیهان شیعه و اهل سنت بوده است. در میان فقیهان شیعه نظرات متعددی وجود دارد. در این مقاله پس از بررسی ادله تحدید مطاف، جواز طواف پشت مقام به اثبات رسیده است. فقیهان اهل سنت نیز تمام مسجد را مطاف می دانند و مطاف را به فاصله میان خانه و مقام محدود نمی کنند. در این نوشتار دیدگاه مذاهب مختلف فقهی اهل سنت مطرح و بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: طواف، مقام ابراهیم، مطاف، فقیهان اهل سنت، فقیهان شیعه.

تاریخ تأیید: ۸۸/۵/۲۳

* تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۱۰

** هیأت علمی مجتمع آموزش عالی فقه قم.

طواف یکی از ارکان حج و عمره است و مشخص کردن محدوده مطاف، از مباحث مهم حج است و از آنجا که این مسئله مورد ابتلای همگان است و از برخی جوانب نیز نیاز به تحقیق و بررسی بیشتر دارد و از سوی دیگر، برخی نظرات مکاتب فقهی اهل سنت برای عموم روحانیون کاروانهای حج، سودمند و برای تعدادی از آنها ضروری است، این نوشتار ضمن بررسی اقوال فقهای فریقین در پی آن است که ثابت کند تحدید مطاف به حد فاصل خانه و مقام ابراهیم، اساس قابل قبولی ندارد.

پیشینه مسئله

بی‌گمان بررسی و تحقیق از تاریخچه تحدید مطاف، نقش زیادی در روشن شدن مسئله دارد. از این رو، نگاه اجمالی به آن ضرور می‌نماید. هدف از این سیر تاریخی، آن است که: اولاً: بیابیم آیا «تحدید مطاف» به حد فاصل خانه و مقام ابراهیم علیه السلام (بیست و شش و نیم ذراع) در کلمات فقیهان پیشین که به عصر ائمه علیهم السلام نزدیک تر بوده‌اند و در باور برخی از فقیهان عصر ما گفته آنها به منزله قول معصوم است، وجود دارد یا نه. ثانیاً: گذشته از این، فقیهانی که مطاف را به حد مذکور محدود دانسته‌اند، در میان ادله خویش، به روایت ضعیف‌السندی تمسک جستند و شهرت را جابر ضعف سند به حساب آورده‌اند. بررسی دیدگاه فقیهان ما در طول تاریخ، صحت و سقم این ادعا (شهرت) را در بین قدمای اصحاب روشن خواهد کرد و در نتیجه، جایگاه استدلال به آن روایت را تعیین خواهد کرد. شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق) در «الهدایة فی الاصول والفروع» درباره واجبات طواف، فقط این نکته را یادآور شده است که: «باید هفت شوط باشد».^۲ شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) در «المقنعه فی الاصول والفروع» فرموده است: «ثم یستفتح الطواف بالحجر الاسود...»؛ «طواف از حجر الاسود شروع می‌شود».^۳ و متعرض محدوده طواف نشده است. سیدمرتضی (۳۳۵-۴۳۶ق) نیز در «جمل العلم والعمل» همانند شیخ مفید آغاز طواف را از حجر الاسود و انجام آن را به حجر الاسود واجب شمرده است.^۴ ایشان در «الانتصار» که به مسائل اختصاصی شیعه از جمله حج می‌پردازد، متعرض این مطلب که طواف باید بین مقام و خانه باشد، نشده است.^۵ وی، در «الاقتصاد» که مسائل بیشتری را در ارتباط با طوایف متعرض شده است، این مطلب را نیز طرح نکرده است.^۶ ابی‌صلاح حلبی (۳۴۷-۴۴۷ق) در «الکافی فی الفقه» نیز متعرض این مسئله نشده و فقط

فرموده است: «شروع طواف باید از حجرالاسود باشد».^۷
 شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) در «النهاية في مجرد الفقه والفتاوى» که نسبت به فقیهان پیش از خود، مسائل زیادتری را درباره طواف آورده است نیز به این مسئله نپرداخته است.^۸
 وی در «الجمل والعقود»، در احکام طواف می‌فرماید: «واجبات طواف چهار چیز است:
 ۱. شروع طواف از حجرالاسود؛ ۲. تکمیل هفت شوط؛ ۳. طهارت؛ ۴. دو رکعت نماز، نزد مقام».^۹
 ملاحظه می‌کنید که از تحدید مطاف سخنی به میان نیاورده است.

همو در «الخلافا» فرموده است:

مسئلة: اذا تباعد من البيت حتى يطوف بالسقايه و زمزم لم يجزئه و قال الشافعي يجزئه دليلنا ان ما ذكرنا مقطوع على اجزائه و ما ذكره ليس على اجزائه دليل، فالاحتياط ايضاً يقتضى ما قلناه.^{۱۰}
 هرگاه طواف‌کننده از خانه به حدی دور شود که به محل سقايه و چاه زمزم برسد، طوافش مجزی نیست و شافعی گفته است مجزی است. دلیل ما این است که آنچه ما درباره طواف دور خانه گفته‌ایم، قطعاً مجزی است، ولی مکفی بودن آنچه آنان گفته‌اند (طواف بر سقايه و زمزم)، بی‌دلیل است. پس، احتیاط نیز مقتضی قول ماست.

ملاحظه می‌شود برای تحدید، به روایت استدلال نشده بلکه به احتیاط تمسک جسته است.
 در این ارتباط، در «المبسوط في فقه الامامية» نیز - که فروعاً زیادی را طرح کرده است - می‌فرماید:

و ينبغي أن يكون طوافه فيما بين المقام والبيت و لا يجوز، فان حاز المقام و تباعد عنه لم يصح طوافه.^{۱۱}
 سزاوار است طواف بین خانه و مقام باشد و از آن حد تجاوز نشود و چنانچه از مقام تجاوز کرد، طواف صحیح نیست.

عبدالعزیز دیلمی مشهور به «سالار» (متوفای ۴۶۳ق)، در «المراسم العلوية» فقط به این نکته اشاره کرده است که: «شروع طواف باید از حجرالاسود باشد».^{۱۲}

قاضی ابن‌براج (۴۰۰-۴۸۱ق) در «جواهر» متعرض این مسئله نشده است.^{۱۳}
 همو در «المهذب في الفقه» فرموده است: «و يجب أن يكون طوافه بين المقام والبيت»؛ «واجب است طواف بین خانه و مقام واقع شود».^{۱۴}

ابن‌زهرة (۵۱۱-۵۸۵ق) در «غنية النزوع الى علم الاصول والفروع»، بعد از بیان چندین واجب از واجبات طواف، آورده است:

و أن يكون بين البيت والمقام فمن ترك شيئاً من ذلك لم يجزئه الطواف بدليل الاجماع الماضي ذكره و طريقة الاحتياط واليقين

لبرائة الذمة لأنه لا خلاف في براءة الذمة منه اذا فعل على الوجه الذي ذكرناه و ليس على براءتها منه اذا فعل على خلافه دليل.^{۱۵}
و از واجبات طواف این است که باید (طواف) بین بیت و مقام باشد و اگر یکی از واجبات طواف را به جا نیاورد، طوافش مجزی نیست. به دلیل اجماع پیشین و چون این حکم، شیوه احتیاط و یقین به براءت ذمه است؛ زیرا بدون هیچ خلاقی، اگر طواف را بر شیوه مذکور بیاورد، ذمه اش بری شده است؛ ولی دلیلی بر حصول براءت ذمه برخلاف این روش وجود ندارد. ایشان هم دلیل تحدید را اجماع و احتیاط قرار داده است، نه روایت.

ابن حمزه (متوفای حدود ۵۸۰ق) در «الوسیله الی نیل الفضیله»، طواف بین مقام و بیت را از واجبات طواف شمرده است: «و ان يطوف بين المقام والبيت».^{۱۶}
ابن ادريس (متوفای ۵۹۸ق) در «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» فرموده است: «و ینبغی أن يكون الطواف بالبيت فيما بين مقام ابراهيم عليه السلام والبيت يخرج المقام في طوافه»؛ «سزاوار است طواف میان مقام و خانه واقع شود؛ به گونه ای که مقام از طواف خارج باشد».^{۱۷}
محقق حلی (۶۰۲-۷۶۶ق) در «تسرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» می نویسد: «فالواجب سبعة... و أن يكون بين البيت والمقام»؛ «واجبات طواف هفت است؛ از جمله اینکه بین خانه و مقام واقع شود».^{۱۸}
ابن سعید حلی (۶۰۱-۶۸۹ یا ۶۹۰ق) در «الجامع للتسرایع» نوشته است: «والطواف سبعة أشواط بين المقام والبيت»؛ «طواف هفت دور، بین خانه و مقام است».^{۱۹}
علامه حلی (۶۴۷-۷۲۶ق) در «قواعد الاحکام فی مسائل الحلال والحرام» آورده است: «الطواف بين البيت والمقام ولو ادخل المقام فيه لم يصح»؛ «باید طواف بین خانه و مقام باشد و چنانچه مقام را در طواف داخل کند، صحیح نیست».^{۲۰}
شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ق) در «الدروس الشرعية» می نویسد: «الطواف بين البيت والمقام فلو أدخله لم يصح في المشهور و جوز ابن الجنید الطواف خارج المقام عند الضرورة لرواية محمد الحلبي»؛ «واجب است طواف بین خانه و مقام باشد. بنابراین، چنانچه مقام داخل در طواف شود، از نظر مشهور صحیح نیست، ولی ابن جنید طواف بیرون از مقام را هنگام ضرورت براساس روایت محمد حلبي، جایز دانسته است».^{۲۱}

جمع بندی

از آنچه گذشت چند مطلب روشن می شود: ۱. برخی از فقیهان صدر اول متعرض مسئله تحدید نشده اند؛ ۲. کسانی که متعرض تحدید شده اند، هیچ کدام به روایات استدلال نکرده اند،

بلکه یا استدلال نشده است و یا به احتیاط و یا افزون بر احتیاط، به اجماع نیز استدلال شده است. در هر صورت، تمسک به روایت نشده است تا عمل به آنجا بر ضعف سند باشد.

«طواف» در لغت

خلیل در «العین» می‌نویسد: «طاف بالبيت يطوف طواف و أطاف بهذا الأمر، أي أحاط به فهو مطيف»؛ «بر خانه طواف کرد؛ یعنی به گرد خانه گشت. بر فلان امر اطافه کرد؛ یعنی بر آن، اشراف یافت».^{۲۳}

ابن اثیر در «نهایه» آورده است: «الطواف بالبيت: و هو الدوران حوله تقول طفت أطوف طوفاً و طوفاً والجمع الأطواف»؛ «طواف خانه، به معنای دور زدن در اطراف خانه است ...».^{۲۳}
احمدبن فارس نوشته است: «طوف الطاء والواو والفاء أصل واحد، صحيح يدل على دوران الشيء على الشيء»؛ «[طواف] ... بر دور زدن چیزی بر گرد چیز دیگری دلالت دارد».^{۲۴}
فیومی در «مصباح‌المنیر» آورده است: «طاف بالشيء يطوف طوفاً و طوفاً استدار به والمطاف موضع الطواف»؛ «بر چیزی طواف کرد؛ یعنی بر مدارش چرخید و «مطاف» جایگاه (مدار) طواف است».^{۲۵}
بنابراین، معنای لغوی «طواف» همان چرخیدن و دور زدن پیرامون چیزی است.

دیدگاه فقیهان

درباره حد مطاف میان فقیهان، نظرات مختلفی وجود دارد که ما در اینجا به ایراد چهار دیدگاه متفاوت و اساسی می‌پردازیم:

۱. دیدگاه گروه اول: فاصله میان بیت و مقام ابراهیم عليه السلام، بیست و شش و نیم ذراع و نزدیک به دوازده متر «حد مطاف» است.

صاحبان این نظریه در خصوصیات آن اختلاف کرده‌اند؛ از جمله:

الف - عده‌ای در چهار سوی بیت، حتی از طرف حجر اسماعیل،^{۲۶} این حد را معتبر می‌دانند. طبق این نظریه، در جانب حجر اسماعیل، پس از کسر حد فاصل حجر اسماعیل از خانه - که طواف از آن باطل است - «حد مطاف» فقط نزدیک شش و نیم ذراع خواهد بود. صاحب مسالک عليه السلام^{۲۷} از این رأی جانبداری کرده است.

ب - برخی، گرچه حجر اسماعیل را جزء خانه خدا نمی‌شمرند، در جانب حجر اسماعیل، مبدأ حد مطاف را دیوار حجر اسماعیل دانسته‌اند. طبق این نظریه، حد مطاف در چهار طرف به مقدار مساوی

است، ولی از نظر مکانی در ناحیه حجر اسماعیل، فاصله مطاف از خانه بیشتر است. یعنی مطاف (۲۶/۵ ذراع) از دیوار حجر آغاز می‌شود. صاحب مدارک^{۲۸} و شهید^{۲۹} از صاحبان این دیدگاه‌اند. ج - برخی دیگر معتقدند: چنانچه حجر اسماعیل جزء خانه به‌شمار آید، مبدأ حد مطاف، دیوار حجر اسماعیل است. محقق ثانی^{۳۰} و شیخ حرّ عاملی^{۳۱} از معتقدان این نظراند.

۲. دیدگاه گروه دوم: حد مطاف در حالت عادی، حد فاصل خانه و مقام ابراهیم است، ولی در حال اضطرار، طواف در پشت مقام نیز جایز است. امام خمینی^{۳۲} از صاحبان این فتوا هستند.

۳. دیدگاه گروه سوم: در حالت عادی، حد فاصل خانه و مقام ابراهیم^{۳۳} را حد مطاف دانسته‌اند، ولی گفته‌اند: «در حال تقیه، طواف خارج این حد نیز صحیح است». صاحب جواهر بر این نظر است.^{۳۴}

۴. دیدگاه گروه چهارم: حد مطاف، محدود به فاصله میان خانه و مقام ابراهیم^{۳۵} نیست. این گروه نیز در خصوصیات اختلاف دارند و چون اهمیت زیادی ندارد، از ذکر آنها خودداری می‌شود. نظرات دیگری نیز وجود دارد؛ مانند اینکه: رعایت بیست و شش و نیم ذراع مستحب است و یا به احتیاط واجب، لازم است و یا رعایت نکردن، مکروه است ولی نیازی به طرح آنها نیست. نظر اول و چهارم در میان اقوال گذشته، از اهمیت بیشتری برخوردار است و اقوال دیگر، به‌نوعی فرع آنهاست. از این رو، با تفصیل بیشتری به آنها می‌پردازیم؛ زیرا، با ردّ قول اول و اثبات قول چهارم، موضوع اقوال دیگر منتفی می‌شود.

ادله قول اول

۱. اجماع

ابن زهره در این مسئله ادعای اجماع کرده است، سپس آن را طریق احتیاط و یقین، به براءت ذمه دانسته است. وی بعد از بیان واجبات طواف آورده است:

و أن یکون بین البیت والمقام، فمن ترک شیئاً من ذلك لم یجزئه الطواف بدلیل الاجماع الماضي ذکره و طریقه الاحتیاط والیقین لبراءة الذمه لأنه لا خلاف فی براءة منه اذا فعل علی الوجه ذکرناه و لیس علی براءتها منه اذا فعل علی خلافه دلیل^{۳۴}.

... (گذشته از واجبات دیگر) طواف باید بین خانه و مقام ابراهیم^{۳۵} باشد. پس اگر طواف‌کننده چیزی از این واجبات را ترک کند، طواف او مجزی نیست. به دلیل اجماعی که (قبلاً) گذشت و چون این شیوه احتیاط و یقین به براءت ذمه است و به دلیل اینکه بی‌شک با این روش، بدون هیچ اختلافی قطع به براءت ذمه حاصل می‌شود، ولی بر حصول براءت ذمه در طواف، با عمل برخلاف این روش، دلیلی نیست.

نقد و بررسی

اولاً: این اجماع مدرکی است؛ زیرا، خود ابن زهره به دنبال نقل اجماع، این عمل را مبنی بر احتیاط و قاعده اشتغال دانسته است. افزون بر آن، روایت محمد بن مسلم - که به زودی خواهد آمد - بر بطلان طواف در خارج از مقام دلالت دارد و از این رو، احتمال دارد مدرک اجماع کنندگان همین روایت باشد؛ پس اجماع از اعتبار ساقط است. از این رو، شیخ طوسی رحمته الله در «خلاف» و کتابهای دیگرش ادعای اجماع نکرده است و در «خلاف»، فقط به قاعده احتیاط و اشتغال استناد کرده است؛^{۳۵} با اینکه شیخ در بسیاری از موارد به اجماع تمسک می‌کند.

ثانیاً: اشکال وارد است؛ زیرا، ادعای اجماع با مخالفت بسیاری از فقیهان، از جمله شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه»^{۳۶} سازگار نیست؛ چون، شیخ صدوق در مقدمه کتاب می‌فرماید: «قصودت الی ایراد ما افتی به و احکم لصحته و اعتقد فیہ انه حجة فیما بینی و بین ربی»؛^{۳۷} «مقصودم از این کتاب آوردن روایاتی است که به آنها فتوا می‌دهم و حکم به صحت آنها می‌کنم و معتقدم که آنها میان من و خدایم حجت است» و در «حد مطاف» روایتی را متعرض شده است که بر جواز طواف - حتی پشت مقام - دلالت دارد. پس معلوم می‌شود فتوای فقهی او جواز طواف از پشت مقام ابراهیم است.

ثالثاً: غیر از ابن زهره، کسی ادعای اجماع نکرده است و میان فقیهان، معروف است که اجماعات ابن زهره از باب ادعای اجماع بر کبراست.

۲. قاعده احتیاط و اشتغال

یکی دیگر از ادله صاحبان نظریه اول، قاعده احتیاط و اشتغال است. شیخ طوسی رحمته الله در «خلاف» می‌فرماید: «دلیل بر اینکه طواف باید پشت مقام باشد، قاعده اشتغال و احتیاط است».^{۳۸} شبیه این مطلب، در کلام ابن زهره رحمته الله^{۳۹} نیز آمده است.

نقد و بررسی

۹ مسئله مورد بحث از قبیل اقل و اکثر ارتباطی است؛ زیرا، معلوم نیست افزون بر شرایط دیگر، طواف، مشروط و مقید به حد و مکان خاصی هست یا نه. در این باره، همه صاحب نظران گفته‌اند در چنین مواردی (اقل و اکثر ارتباطی) برائت جاری می‌شود. شیخ انصاری در مبحث اقل و اکثر، پس از تقسیمات مختلف و گزارش اقوال گوناگون می‌نویسد: «والمقدمین منهم والمتأخرین».^{۴۰} صریح کلام گروهی از فقیهان، جریان اصالة البرائة و عدم وجوب احتیاط است (در مورد شک در جرم خارجی ناشی از نبود دلیل معتبر) و ظاهر این است که این قول مشهور میان فقه‌های اهل سنت و شیعه است (اعم از فقه‌های گذشته و متأخر).

۳. روایت

مهم‌ترین و قوی‌ترین دلیل بر قول اول، روایت محمدبن مسلم است:

محمدبن یعقوب، عن محمدبن یحیی و غیره، عن محمدبن احمد، عن محمدبن عیسی، عن یاسین الضریر، عن حرزبن عبدالله، عن محمدبن مسلم، قال: سألته عن حدِّ الطَّوَّافِ بالبیت الَّذی من خرج عنه لم یکن طائفاً بالبیت؟ قال: كان الناس على عهد رسول الله ﷺ يطوفون بالبیت والمقام و أنتم اليوم تطوفون ما بین المقام و بین البیت فكان الحدّ موضع المقام اليوم فمن جازه فلیس بطائف و الحدّ قبل اليوم و اليوم واحد قدر ما بین المقام و بین البیت من نواحی البیت کلها فمن طاف فتباعد من نواحیه أبعد من مقدار ذلك كان طائفاً لغير البیت بمنزلة من طاف بالمسجد لانه طاف فی غیر حد و لا طواف له.^{۴۱}

محمدبن مسلم گفته است: از وی (امام علیه السلام) راجع به حدّ طواف بیت پرسیدم، به گونه‌ای که اگر کسی از آن مقدار تجاوز کند، طواف خانه نکرده است؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله مردم بر گرد خانه و مقام طواف می‌کردند، ولی شما امروز باید میان خانه و مقام طواف کنید. بنابراین، حد مطاف مکانی است که امروز «مقام» در آن واقع شده است. پس هر کس از آن مقدار تجاوز کند، طواف کننده خانه به‌شمار نمی‌آید. اندازه مطاف در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و امروز به‌طور یکسان، به اندازه فاصله بین خانه و مقام از چهار سوی «بیت» است. پس اگر کسی در یکی از نواحی، از این مقدار دورتر شود، چیز دیگری جز خانه را طواف کرده است، مانند اینکه بر گرد مسجد طواف کرده باشد؛ زیرا، طواف او در غیر حد مطاف واقع شده است و این طواف نیست.

در سند «تهذیب» به‌جای «و غیره» آمده است: «عن غیر واحد عن أحمدبن محمدبن عیسی».

به‌نظر می‌رسد سند «کافی» به واقع نزدیک‌تر باشد؛ زیرا، محمدبن یحیی همیشه از احمدبن

محمد، بی‌واسطه نقل می‌کند.

از نظر متن، نقل «کافی» با «تهذیب» یکی است، جز اینکه در کافی به‌جای «خرج عنه» کلمه «خرج منه»^{۴۲} آورده است. دلالت روایت بر اینکه طواف باید میان بیت و مقام صورت گیرد، تمام است؛ زیرا، جمله «أنتم اليوم تطوفون ما بین المقام و بین البیت» ظهور در وجوب دارد و جمله خبریه در مقام انشاء، اگر نگوییم دلالتش بر وجوب از صیغه امر بیشتر است، دست کم مانند صیغه امر دال بر وجوب است. به‌ویژه اینکه در روایت، طواف خارج از مقام را طواف بر گرد خانه نمی‌داند و بر همین اساس، صاحب وسایل الشیعه عنوان باب را

«وجوب كون الطواف بين الكعبة والمقام و عدم جواز التباعد عنها بأكثر في ذلك من جميع الجهات ...» قرار داده است.

نقد و بررسی

جهت روشن شدن مطلب، تحقیق در سند و دلالت روایت لازم است، ولی از نظر سند، اشکالاتی وارد است. از جمله:

اولاً: مطابق نقل تهذیب، روایت مضمرة است.^{۴۳} چون مرجع ضمیر در «سألته» معلوم نیست و مضمرة از اعتبار ساقط است. ممکن است در پاسخ این اشکال گفته شود: مضمرة محمد بن مسلم حجت است؛ زیرا، او و همانند او از غیر امام علیه السلام پرسش نمی کنند. پس اشکال اضمار وارد نیست.

ثانیاً: در سند روایت «یاسین ضریر» واقع شده است که از نظر اندیشمندان دانش رجال، توثیق ندارد. از جمله:

نجاشی علیه السلام درباره وی می نویسد: «یاسین الضریر الزیات البصری، لقی أبا الحسن موسی علیه السلام لمّا كان بالبصرة و روی عنه و صنف هذا الكتاب المنسوب اليه، أخبرنا محمد بن علی، قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن یحیی، قال: حدّثنا سعد، قال: حدّثنا محمد بن عیسی بن عبید، عن یاسین ...» ملاحظه می شود که هیچ گونه توثیقی نسبت به وی وجود ندارد.^{۴۴}

شیخ علیه السلام نیز وی را توثیق نکرده است و با بیان اینکه «او را کتابی است» و با نقل طریقش به آن کتاب، مطلب را خاتمه داده است.^{۴۵}

علامه مجلسی علیه السلام در «مرآة العقول» که شرح احادیث اصول کافی است، نسبت به سند این روایت محمد بن مسلم، فرموده است: «مجهول».^{۴۶}

ایشان در «ملاذل الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار» بعد از نقل حدیث افزوده است: «مجهول».^{۴۷} بنابراین، روایت محمد بن مسلم از نظر سند، اعتبار ندارد و نمی توان براساس آن فتوا به «تحدید مطاف» میان خانه و مقام داد؛ اگرچه دلالت آن بر این مطلب تمام باشد.

جواب

برخی از فقیهان، عمل اصحاب را جبران کننده ضعف روایت دانسته اند. صاحب جواهر بعد از نقل روایت، می نویسد: «المنجبر والمعتضد بما عرفت»؛ «ضعف سند با عمل اصحاب جبران شده است».^{۴۸} آیت الله شاهرودی علیه السلام می فرماید: «ان قلت انه ضعيف سنداً قلت انه و ان كان ضعيفاً سنداً لكن ذلك منجبر بعمل الاصحاب - رضوان الله تعالى عليهم - بمضمونه».^{۴۹}

چنانچه به ضعف سند روایت اشکال شود، در پاسخ گفته می‌شود: اگرچه روایت از نظر سند ضعیف است، ولی ضعف سند با عمل فقیهان به مضمون آن جبران می‌شود. در این باره آیت‌الله داماد^{۵۱} فرموده است: «ان السند لو كان فيه ضعف لكان منجبراً بالعمل»؛ «چنانچه در سند روایت (محمد بن مسلم) ضعفی وجود داشته باشد، با عمل فقیهان جبران می‌شود».^{۵۲}

اشکال

اولاً: جبران شدن ضعف سند با عمل فقیهان، مورد اختلاف است؛ زیرا، برخی از فقیهان آن را قبول ندارند. از جمله: آیت‌الله خوئی در «المعتمد فی شرح المناسک» فرموده است: «و قد ذکرنا غیر مرة ان الانجبار ممّا لا اساس له عندنا»؛ «بارها بیان کرده‌ایم که جبران ضعف سند با عمل اصحاب، در نظر ما بی‌دلیل است».^{۵۱}

ثانیاً: ضعف سند هنگامی جبران می‌شود که فقیهان پیشین که نظر آنها برگرفته از ائمه^{علیهم‌السلام} به‌شمار می‌آید، به روایت عمل کرده باشند، ولی در ارتباط با مدلول این روایت، همانگونه که در بخش تاریخ مسئله گذشت، تا زمان شیخ طوسی^{رحمته‌الله} اصلاً این مسئله در کتابهای فقهی عنوان نشده است. شیخ طوسی نیز فقط در کتاب خلاف و مبسوط متعرض این بحث شده است و در کتاب شهرت و یا روایت خودداری کرده است و به قاعده احتیاط تمسک جسته است؛^{۵۲} با اینکه روش شیخ در کتاب «خلاف» حتی در موارد اختلافی، تمسک به اجماع و شهرت است. بعد از شیخ، تا زمان قاضی ابن‌براج (متوفای ۴۸۱ق) کسی متعرض این مسئله نشده است و ابن‌براج نیز در «جواهر الفقه» مسئله را عنوان نکرده است و فقط در «المهذب فی الفقه» متعرض آن شده است.^{۵۳}

ثالثاً: عمل مشهور وقتی جابر ضعف سند است که به روایت استناد شده باشد، نه به ادله دیگر. در مورد بحث نیز پیش از این روشن شد که فقط برخی از فقها که تحدید را پذیرفته و استدلال کرده بودند، به احتیاط و اجماع تمسک جسته‌اند، نه روایت.

رابعاً: بر فرض قبول جبران ضعف سند به عمل مشهور، این روایت با روایت حلبی تعارض می‌کند و ترجیح با روایت حلبی است؛ زیرا، موافق عمومات و اطلاقات کتاب است، مانند: «و لیطوفوا بالبيت العتیق».

شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» روایت «حلبی» را که دلالت دارد بر جواز طواف حتی پشت مقام ابراهیم دارد، نقل کرده است. از نقل این روایت به ضمیمه مطلبی که در مقدمه کتاب فرموده است «قصدم دارم روایاتی را بیاورم که بر پایه آنها فتوا می‌دهم و حکم به صحت آنها می‌کنم و باور دارم که آنها میان من و خدایم حجت است»^{۵۴} استفاده می‌شود که شیخ صدوق فتوا به صحت طواف پشت مقام داده است.

بنابراین، چگونه می‌توان در حکمی ادعای شهرت کرد که تا زمان شیخ طوسی رحمته‌الله، به‌جز وی که به احتیاط تمسک جسته است و به‌جز ابن‌براج رحمته‌الله، کسی متعرض آن نشده است و پیش از آنها، شیخ صدوق فتوا برخلاف آن داده است.

با این اشکالها، معلوم می‌شود که ضعف خبر محمدبن مسلم به قوت خود باقی است و از اعتبار و حجیت ساقط است. در نتیجه، فتوا به اینکه «واجب است طواف در حد فاصل میان خانه و مقام ابراهیم باشد»، بی‌دلیل است و همه اقوالی که اصل تحدید را پذیرفته‌اند و اختلاف در خصوصیات آن شده نیز نادرست خواهد بود، بنا بر سه قول اول درست نیست.

بررسی قول چهارم

صاحبان نظریه دوم، عدم تحدید به روایت «حلبی» استدلال کرده‌اند:

محمدبن علی بن الحسین، باسناده عن ابان، عن محمدبن علی الحلبي، قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الطواف خلف المقام؟ قال: ما أحب ذلك و ما أرى به بأساً فلا تفعله الا أن لا تجد منه بدءاً.^{۵۵}
امام صادق عليه السلام در مقام پاسخ از پرسش حکم طواف پشت مقام ابراهیم، فرمودند: آن را دوست ندارم، گرچه اشکالی در آن نمی‌بینم. پس چنین مکن مگر اینکه ناچار شوی.

در حکم بر پایه این حدیث، باید در دو جهت «سند» و «دلالت» روایت بحث کنیم: روایت از نظر سند بی‌اشکال است؛ زیرا، ابان به قرینه راوی و مروی عنه، ابان بن تغلب است و شکی در وثاقت وی نیست، چون توثیقات زیادی درباره‌اش رسیده است. از جمله: قال له أبو جعفر عليه السلام اجلس في مسجد المدينة وافت الناس فاني أحب أن يري في شيعتي مثلك.^{۵۶}
امام موسی بن جعفر عليه السلام درباره وی فرمود: ای ابان، در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده. من دوست دارم همانند تو در میان پیروانم فراوان دیده شوند.

برخی از فقیهان، از جمله شیخ حسن (فرزند شهید ثانی) در «منتقى الجمعان» فرموده است: «منظور از ابان در سند این روایت، ابان بن عثمان است»^{۵۷} و نیز مقدس اردبیلی رحمته‌الله فرموده است: «ظاهراً منظور، ابان بن عثمان است».^{۵۸}

چنانچه این مطلب صحیح باشد، به اعتبار سند ضرر نمی‌رساند، اگرچه برخی ابان بن عثمان را «واقفی» و برخی «ناوسی» و برخی «فطحی» شمرده‌اند؛ زیرا:

اولاً: این نسبت مورد اختلاف است و بعضی از اندیشمندان بزرگ رجال، در آن اشکال کرده‌اند.^{۵۹}

ثانیاً: فساد مذهب با فرض ثقه و مورد اطمینان بودن راوی در گفتار و نقل روایات، در قبول روایت وی تأثیری ندارد. از باب مثال: «خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا»، آنچه را روایت می‌کنند بگیریید (کنایه از روایات)، آنچه را نظر می‌دهند رها کنید (کنایه از اعتقادات). ثالثاً: وی، از مشایخ «ابن ابی عمیر» است. پس مشمول شهادت عام شیخ می‌شود که: «لا یروی الا عن ثقة».^{۶۰}

رابعاً: از اصحاب اجماع است.^{۶۱}

بنابراین، «سند» بی‌اشکال است، به‌ویژه که شیخ صدوق به آن عمل کرده است. اشکال دیگری که بر روایت می‌گیرند، عبارتست از: اعراض مشهور. آیت‌الله شاهرودی^{۶۲} فرموده است: «ولکن اعراض الاصحاب عنه مانع عن العمل به»؛ «اعراض فقیهان مانع عمل کردن به این حدیث است».^{۶۲} این اشکال نیز درست نیست؛ زیرا:

اولاً: با عمل و فتوای شیخ صدوق^{۶۳} به این روایت، همان‌گونه که پیش از این بیان شد، چگونه اعراض ثابت می‌شود. به‌ویژه که تا زمان شیخ طوسی^{۶۴} این مسئله در کتابهای فقهی عنوان نشده است و از زمان شیخ به بعد، بسیاری از فقیهان (متأخرین) به این روایت عمل کرده‌اند. از جمله:

علامه^{۶۵} در «منتهی الطالب» می‌فرماید: «روایت حلبی دلالت دارد بر جواز طواف در خارج از مقام، به هنگام ضرورت».^{۶۳}

در «مدارک الاحکام» فرموده است: «ظاهر عبارت شیخ صدوق، فتوا به مضمون روایت حلبی است و این فتوا بعید نیست».^{۶۴}

صاحب جواهر^{۶۶} فرموده است: «خبر حلبی دلالت دارد بر جواز طواف خارج از مقام، در حال تقیه».^{۶۵} همو می‌نویسد: «ابوعلی، براساس صحیحۃ حلبی، فتوا به جواز طواف خارج از مقام داده است».^{۶۶} نراقی^{۶۷} فرموده است: «اگر مخالفت شهرت و اجماع روا باشد، باید به مضمون موثقه حلبی فتوا داده شود».^{۶۷}

صاحب ذخیره^{۶۸} می‌فرماید: «فتوا به مضمون روایت حلبی ندانم، مشکل است».^{۶۸} صاحب ریاض^{۶۹} فرموده است: «اسکافی، طواف خارج از مقام را جایز شمرده است». صاحب جواهر می‌نویسد: «علامه در مختلف و تذکره تمایل به فتوا به مضمون خبر حلبی نشان داده است».^{۶۹}

مقدس اردبیلی^{۷۰} فرموده است: «روایت حلبی دلالت دارد بر جواز طواف به هنگام ضرورت، همانگونه که در منتهی فرموده است».^{۷۰}

آنچه گذشت، دیدگاه برخی از فقیهان است که به مضمون خبر حلبی عمل کرده‌اند و چنانچه تتبع شود، به‌طور مسلم فقهای دیگری نیز به مضمون آن عمل کرده‌اند؛ حال یا رد، یا حمل بر تقیه و یا حمل بر ضرورت و قبول کرده‌اند. در هر صورت، ادعای اعراض بی‌اساس است. ثانیاً: اعراض مشهور هنگامی موهن روایت است که کاشف از خلل در نقل و یا منقول باشد و چنانچه احتمال داده شود که اعراض از جهت وجه، صناعی بوده است، موهن نخواهد بود. در اینجا، احتمال دارد [بل اطمینان هست] که عمل نکردن مشهور، به این دلیل بوده است که در بیان این دو روایت، تعارض دیده‌اند و روایت حلبی را چون موافق عامه بوده است، طرح کرده‌اند. شاهد بر این مطلب، نظر صاحب جواهر است که می‌فرماید: «طواف خارج از مقام، در صورت تقیه صحیح است» و نیز صاحب جواهر از شافعی نقل می‌کند که طواف در هر جای مسجد حتی در زیر سقف، جایز است. پس معلوم می‌شود روایت حلبی موافق عامه است و اعراض اصحاب از این جهت بوده است.

ثالثاً: وهن روایت با اعراض مشهور، مورد اختلاف است؛ زیرا، برخی از فقها^{۲۱} اعراض را موهن نمی‌دانند، پس اشکال بنایی است.

از نظر دلالت

بنابراین اگر نگوییم جمله «ما أحبّ ذلک و ما أری به بأساً» نص در جواز است، بی‌شک در صحت طواف پشت مقام ابراهیم به هنگام اختیار، ظهور قوی دارد و این دو جمله قرینه است بر تنزیهی بودن نهی در جمله «فلا تفعله». بنابراین، طواف پشت مقام ابراهیم در حال اختیار، مکروه است و در حال اضطرار، این کراهت مرتفع می‌گردد.

بر فرض قبول جبران ضعف سند روایت محمدبن مسلم به عمل مشهور این دو روایت، متعارض می‌شود و ترجیح با روایت حلبی است؛ زیرا، موافق اطلاق کتاب است. ممکن است گفته شود روایت محمدبن مسلم مخالف عامه است، پس مقدم می‌شود. جواب داده می‌شود ترجیح به موافقت کتاب بر ترجیح به مخالفت عامه مقدم است. چون بر مبنای روایت راوندی، اول باید دو خبر متعارض را به قرآن عرضه کرد و موافق کتاب را اخذ کرد و اگر هیچ‌کدام موافق کتاب‌الله نبود، باید مخالف عامه را گرفت و آنگاه بر فرض تساوی، نوبت به تخییر یا تساقط می‌رسد که در صورت تساقط، مرجع، اطلاق ادله طواف است که شامل طواف پشت مقام نیز می‌شود.

نتیجه

تاکنون ثابت شد که طواف پشت مقام ابراهیم، در حال اختیار، مکروه است و این کراهت با اضطرار، مانند ازدحام و... مرتفع است. پس اقوال دیگر صحیح نیست؛ زیرا، اقوال دیگر فرع قول اول است که بپذیریم لازم است طواف میان بیت و مقام باشد. آری! احتیاط همیشه خوب است. به ویژه در عبادتی مانند حج که بر هر مکلفی در تمام عمر یک بار بیشتر واجب نیست و اساس بسیاری از احکام و مناسک آن، بر تحمل زحمت، مشقت و امتحان بنا شده است.

خاتمه

در خاتمه جهت تکمیل بحث، به چند مطلب دیگر اشاره می‌کنیم:

الف - مرحوم آیت‌الله العظمی خویی در «شرح مناسک»، چون «یاسین ضریر» در سند روایت محمدبن مسلم واقع شده است و گفته‌اند مجهول است و روایت را ساقط کرده‌اند و براساس روایت حلبی که از نظر سند و دلالت، تمام است، فتوا به جواز طواف پشت مقام داده‌اند.^{۷۲} ولی، این فقیه محقق مدقق، تعویض در سند را قبول دارد، چون در تنقیح فرموده است: «و بهذا الطريق الذی أبدیناه اخیراً یمكنک تصحیح جملة من الروایات»؛ «با این روش (تعویض سند) که به تازگی بدان دست یافته‌ایم، تصحیح بسیاری از روایات ممکن است».^{۷۳} طبق این مبنا، خبر محمدبن مسلم با ضعف «یاسین ضریر»، از اعتبار ساقط نمی‌شود؛ زیرا، شیخ در فهرست فرموده است: «له کتب اخبرنا بجمع کتبه و روایاته الشیخ أبو عبدالله محمد...»؛ ضریر کتابهای زیادی دارد که شیخ مفید آنها و روایاتش را به ما خبر داده است. پس شیخ، راه دیگری به همه کتابها و روایات ضریر دارد. در نتیجه، با اعتبار روایت محمدبن مسلم، میان این دو خبر تعارض می‌شود و باید روایت محمدبن مسلم را در مقام حل تعارض بر کراهت حمل کنیم؛ زیرا، جمله‌های «لأحب» و «لأبأس» در روایت حلبی، صریح در جواز است و این قرینه می‌شود که ظهور روایت محمدبن مسلم بر کراهت حمل شود، نه اینکه آن را به طور کلی ساقط کنیم.

ب - چنانچه نظر مشهور در حد مطاف را (فاصله میان خانه و مقام) بپذیریم، مبدأ این فاصله (بیست و شش و نیم ذراع) دیوار خانه و یا دیوار حجر اسماعیل خواهد بود و در این مسئله نیز، چند قول هست:

اول: مبدأ، دیوار خانه است. صاحب «مسالك» که خود این نظر را ابراز کرده، فرموده است: «و يجب مراعاة هذه النسب من جميع الجهات؛ فلو خرج عنها ولو قليلاً بطل»؛ «واجب است رعایت

طرح

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

۱۶

این فاصله (بیست و شش و نیم ذراع) در تمام اطراف. بنابراین، اگر مختصری از این حد تجاوز کند، طواف باطل است».^{۷۴}

دوم: مبدأ دیوار حجر اسماعیل است، اگر حجر اسماعیل از بیت باشد و اگر حجر اسماعیل جزء بیت نباشد، مساحت از دیوار خانه محاسبه می‌شود.

صاحب جواهر در تأیید این نظر فرموده‌اند: «لا اشکال فی احتساب المسافة من جهة الحجر من خارجه، بناءً علی أنه من البیت»؛ «در محاسبه حد مطاف (بیست و شش و نیم ذراع) از خارج دیوار حجر، اشکالی نیست، در صورتی که حجر جزء خانه باشد».^{۷۵}

سوم: مبدأ دیوار حجر است، گرچه حجر را جزء خانه ندانیم. صاحب مدارک^{۷۶} این رأی را پسندیده و فرموده‌اند: «و تحتسب المسافة من جهة الحجر من خارجه و ان قلنا بخروجه عنه اوجوب ادخاله فی الطواف فلا یكون محسوباً من المسافة»؛ «مطاف در طرف حجر اسماعیل از خارج حجر به حساب می‌آید. هرچند قائل شویم حجر جزء خانه نیست؛ زیرا، واجب است حجر اسماعیل را در طواف داخل کنیم. بنابراین، فاصله حجر تا خانه، از مطاف محاسبه نمی‌شود».

نقد و بررسی

بی‌تردید، مفاد روایت محمدبن مسلم، قول اول است؛ زیرا، اطلاق عبارات امام علیه السلام که فرمود: «طواف در حد فاصله میان خانه و مقام ابراهیم (بیست و شش و نیم ذراع) واقع شود»، تمام چهار طرف را شامل می‌شود. به‌ویژه جمله: «والحد قبل الیوم والیوم واحد قدر ما بین المقام و بین البیت من نواحی البیت کلها، فمن طاف بالبیت فتباعه من نواحیه ابعده من مقدار ذلک کان طائفاً بغير البیت». بنابراین، استثنای ناحیه حجر اسماعیل از این حد، نیاز به دلیل دارد.

برخی از فقیهان فرموده‌اند:^{۷۷} از عبارت «قدر ما بین البیت والمقام» ظاهر می‌شود که «حد طواف (بیست و شش و نیم ذراع) از جایی که طواف جایز است محاسبه می‌شود، نه اینکه از خانه به مقدار بیست و شش و نیم ذراع، حد مطاف است و در طرف حجر، چون طواف از کنار حجر جایز است، تا بیست و شش و نیم ذراع، حد مطاف خواهد بود».

به عبارت روشن‌تر: امام علیه السلام این فاصله (بیست و شش و نیم ذراع) را از هر کجا که طواف صحیح است حد مطاف قرار داده‌اند، نه فاصله بیست و شش و نیم ذراع را از خانه، تا در نتیجه در جانب حجر، فاصله حجر اسماعیل از این مقدار کم شود.

برخی فقیهان، بر این مطلب ادعای شهرت [یل اجماع] کرده و فرموده‌اند: «والمشهور لدی الاصحاح بل کاد أن یكون اجماعاً هو الثانی فعلیه لا یتضیق الناس عند الطواف مع الزحام»؛

«مشهور فقها بل اجماع آنان، بر قول دوم (احتساب مسافت مطاف از دیوار حجر) است. بنابراین، با فراوانی جمعیت، مردم به هنگام طواف دچار سختی نمی‌شوند».^{۷۸}

شاهد دیگر اینکه: اگر حد مطاف در طرف حجر، محدود به شش متر بود - از باب «لو كان لبان» - به شکلی صریح بیان می‌شد؛ زیرا، مسئله مورد ابتلای مردم است و اهل سنت به حد خاصی قائل نیستند و این در حالی است که هیچ روایتی در این جهت، غیر از اطلاق روایت محمد بن مسلم به ما نرسیده است. پس معلوم می‌شود مساحت بیست و شش و نیم ذراع، از دیوار حجر محاسبه می‌شود، چه حجر جزء خانه باشد و یا نباشد.

ج - آیا حد فاصل بین خانه و مقام حقیقی (سنگی که ابراهیم علیه السلام بر آن ایستاده)، حد مطاف است، یا حد فاصل بین خانه و مقام عرفی (سنگ همراه دیوار اطراف) است؟

در این مسئله نیز چند نظر وجود دارد: برخی از فقها مانند صاحب جواهر رحمته الله علیه ملاک را مقام حقیقی دانسته است. وی، پس از طرح این پرسش که: آیا مقام که حد مطاف است، عبارتست از دیوار اطراف حُجره و مقام که خود صخره است. فرموده‌اند: «ظاهر این است که مسافت میان خانه و مقام حقیقی در مطاف است طواف است».^{۷۹}

برخی نیز فرموده‌اند: «ملاک، مقام عرفی است».

صاحب حدائق رحمته الله علیه فرموده‌اند: «برخی از فقها، مقام را در معنای عرفی آن، یعنی سنگ و بنا استعمال کرده‌اند».^{۸۰}

نقد و بررسی

در این رابطه، دلیل خاصی که دلالت کند، ملاک مقام حقیقی است یا مقام عرفی، وارد نشده است.

بی‌شک، مقام در کلمات فقها بر مقام عرفی اطلاق شده است. محدث بحرانی رحمته الله علیه می‌فرماید: «در نظر عرف، مقام عبارتست از سنگ بنای اطراف آن و فقها نیز این معنا را در کلماتشان استعمال کرده‌اند».^{۸۱}

همیشه، عناوین شرعی بر معنای عرفی آن حمل می‌شود، مگر اینکه شارع، بیان و تعریف خاصی داشته باشد.

بله، اگر ادعا شود که حمل مقام بر معنای عرفی آن، مجازی است، در این صورت، اگرچه اصالة الحقیقه این احتمال را دفع می‌کند، ولی بدون شک، استعمال مقام در لسان شرع، در مقام حقیقی آن اظهر است. پس ملاک، مقام حقیقی است، به‌ویژه که موافق احتیاط است. بنابراین، چنانچه رعایت حد فاصل میان خانه و مقام لازم باشد، ملاک مقام حقیقی است.

د - از روایت محمدبن مسلم برداشت می‌شود که به‌طور قطع، مکان نصب مقام ابراهیم تغییر کرده است، ولی اینکه نحوه تغییر چگونه بوده است؟ صاحب جواهر از «ارباب تاریخ» شش قول را گزارش کرده است. آنچه که از نگاه فقهی قابل توجه است این است که از روایت استفاده می‌شود: حد مطاف متوقف بر دایر بود و نبود مقام نیست. بنابراین، چنانچه مقام در مسافت کمتر از بیست و شش و نیم ذراع تا خانه نصب شود، ملاک همان بیست و شش و نیم ذراع است. همچنین، اگر مقام کنده شود و در مسافت دور از بیست و شش و نیم ذراع نصب شود، باز هم مطاف در نظر قائلان محدود بودن آن، همان بیست و شش و نیم ذراع است. از اینجا معلوم می‌شود فقهایی که فرموده‌اند طواف بر روی شاذروان باطل است، مستندشان عدم صدق طواف است، بنا بر اینکه شاذروان جزء دیوار خانه باشد.

ه - بر مبنای صحیح (محدود نبودن حد طواف)، ملاک صحت طواف صدق طواف است؛ هرچند با فاصله زیاد. بنابراین، اگر جمعیت طواف‌کننده به خانه متصل باشند، طواف صادق است و صحیح؛ هرچند فاصله از خانه زیاد باشد.

نظرات فقه‌های اهل سنت

در پایان جهت آگاهی از نظرات فقه‌های اهل سنت، شایسته است نگاهی هرچند گذرا به فتوای آنان داشته باشیم:

مذهب فقهی شافعی

محمدبن ادريس الشافعی المطلبی (۱۵۰-۲۰۴ق) صاحب «الام»، فصلی را به مکان طواف اختصاص داده است و در این باره گفته است:

والمكان الطواف بالبیت من وراء الحجر و وراء شاذروان الكعبة ...
و قال الشافعی والمسجد كله موضع للطواف.^{۸۲}

مکان طواف بر دور خانه این است که از پشت حجر اسماعیل و شاذروان کعبه طواف شود.

شافعی گفته است: تمام مسجد مکان طواف است.

اسماعیل بن یحیی المصری المزنی (۲۶۴ق) صاحب «مختصر المزنی»، در مقام شرایط طواف می‌نویسد: «والدنومن البیت احب الی ... و ان طاف فسلک الحجر او علی جدار الحجر او علی شاذروان الكعبة لم یعتد به فی الطواف»؛ «نزدیک بودن به خانه برای من محبوب‌تر است و اگر در طواف، از حجر اسماعیل و یا دیوار آن و یا از روی شاذروان بروی، جزء طواف محسوب نکند».^{۸۳}

ابواسحاق ابراهیم شیرازی (۴۷۶ق) از فقهای شافعی، صاحب «المهذب»، در تبیین شرایط طواف نوشته است: «ولا یجزئه حتی یطوف حول جمیع البیت فان طاف علی جدار الحجر لم یجزئه لان الحجر من البیت ... والمستحب ان یدنو من البیت لانه هو المقصود فکان القرب منه افضل»؛ «و طواف صحیح نیست مگر اینکه دور تمام خانه باشد. پس اگر بر روی دیوار حجر اسماعیل طواف کند، صحیح نیست؛ زیرا، حجر جزء خانه است و مستحب است نزدیک خانه طواف کند، چون مقصود اصلی خانه است. پس نزدیک شدن به آن افضل است».^{۸۴}

احمد بن الحسینی اصفهانی (۵۰۰ق) صاحب متن ابی شجاع و از علمای شافعی، متعرض حد مطاف نشده است.

ابوزکریا النووی (۶۳۱-۶۷۶ق) صاحب «منهاج الطالبین و عمدة المقتنین»، در مقام تبیین واجبات طواف می نویسد:

ولو مشی علی الشاذروان او من الجدار فی موازاته او دخل من احدی
فتحتی الحجر و خرج فی الاخری لم یصح طوافه ... و ان یطوف
داخل المسجد.^{۸۵}

و اگر بر روی شاذروان طواف کند و یا دیوار خانه را در موازات شاذروان
طواف کند و یا از یکی از دو درب حجر اسماعیل داخل و خارج شود،
طواف او صحیح نیست و از جمله شرایط صحت طواف این است که در
داخل مسجد باشد.

مذهب فقهی حنفی

احمد بن محمد قذوری بغدادی (م ۳۳۲-۴۲۸ق) در «المختصر»، هیچ گونه اشاره‌ای به اینکه طواف باید میان مقام و خانه باشد نکرده است.^{۸۶} وی تصریح می کند که طواف باید از پشت حطیم باشد.

علاءالدین ابوبکر بن مسعود الکاسانی، معروف به ملک العلماء (۵۸۷ق) در «بدایع الصنائع فی

ترتیب الشرایع» تصریح می کند بر اینکه طواف در هر جای مسجد صحیح است:

والطواف بالبیت هو الطواف حوله فیجوز الطواف فی المسجد الحرام
قرباً من البیت او بعیداً عنه بعد ان یتکون فی المسجد حتی او لو طاف
من وراء زمزم قریباً من الحائط المسجد اجزأه لوجود الطواف بالبیت ...
و یطوف من خارج الحطیم لان الحطیم من البیت علی لسان
رسول الله ﷺ و ان الحطیم من البیت.^{۸۷}

طواف خانه عبارتست از طواف در گرد آن. بنابراین، جایز است طواف در
مسجد الحرام نزدیک و یا دور از خانه، حتی اگر از پشت زمزم نزدیک

دیوار مسجد طواف کند صحیح است؛ زیرا، طواف بر خانه صادق است و باید از پشت حطیم طواف کند؛ زیرا، حطیم در فرمایش رسول خدا ﷺ از بیت شمرده شده است.

برهان‌الدین ابوالحسن علی بن ابی‌بکر الفرغانی (۵۱۱-۵۹۳ق) صاحب «*الهدایه شرح بدایة‌المجتهد*»، متعرض حد مطاف نشده است و آن را به‌گونه اطلاق مطرح کرده است. البخاری (۷۴۵ق) صاحب «*مختصر‌الوقایه*»، از علمای حنفی نیز متعرض حد مطاف نشده است.

مذهب فقهی مالکی

ابوعبدالله مالک بن انس الاصبیحی (۹۳-۱۷۹ق) صاحب «*المدونة الکبری*» از فقهای مشهور مالکی، با اینکه به تفصیل وارد مباحث حج شده است، ولی نسبت به حد مطاف هیچ‌گونه اظهار نظری نکرده است.

شیخ ابومحمد عبدالله بن ابی‌زید القیروانی (۳۸۹ق) از فقهای مالکی، صاحب «*متن‌الرساله*» نیز متعرض حد طواف نشده است.

شیخ یوسف قرطبی (۳۶۸-۴۶۳ق)، صاحب «*الکافی فی فقه اهل‌المدینه*» از علمای مکتب فقهی مالکی نیز حد طواف را متعرض نشده است.

ابن‌رشد، صاحب کتاب معروف «*بدایة‌المجتهد*»، در مقام بحث از شرایط از جمله آنها موضع را بیان می‌کند و در تحدید مکان طواف می‌گوید: جمهور علما بر این باورند که حجر جزء خانه است و لازم است آن داخل در طواف باشد و نه بیرون، هرچند ابوحنیفه و اصحاب او گفته‌اند داخل کردن حجر در طواف سنت است.^{۸۸}

شیخ ابوالقاسم جزیری کلبی، صاحب «*القوانین‌الفقهیه*» در تبیین واجبات طواف می‌نویسد: «الخامس: ان يطوف بداخل المسجد».^{۸۹}

معلوم می‌شود حد مطاف در نظر او مسجد است.

مذهب فقهی حنبلی

ابن‌قدامه (۵۴۱-۶۲۰ق) از فقهای حنبلی و صاحب «*عمدة‌الفقه*»، متعرض حد مطاف نشده است. همو در «*المقنع*» نیز متعرض حد مطاف نشده است.

همو در «*کافی*»، در مقام تبیین شرایط حج طواف، نه شرط را برمی‌شمارد: از جمله اینکه باید طواف بر تمام خانه باشد و اگر طواف از داخل حجر اسماعیل و یا بر دیوار حجر و یا بر شاذروان باشد صحیح نیست.

ولی از حد مطاف سخنی به میان نیاورده است.

جمع بندی

از آنچه گذشت مشخص می‌شود فقهای اهل سنت حد مطاف را مسجد می‌دانند و در هیچ مکتبی از مکاتب فقهی چهارگانه معروف، سخنی از تحدید مقام به حد فاصل مقام و بیت، به میان نیامده است. از مجموع مباحث می‌توان نتایج زیر را استخراج کرد:

الف - تحدید مطاف تا زمان ابن زهره (۵۸۵ق) در کلمات فقهای شیعی، به جز برخی کتابهای شیخ و ابن براج رحمتهما دیده نشده است. پس شهرتی که جابر ضعف سند روایتی که دال است بر تحدید مطاف میان خانه و مقام، وجود ندارد، بلکه شیخ نیز در مسئله به احتیاط تمسک جسته است.

ب - طواف در لغت، به معنای دور زدن است و اهل لغت در این جهت اختلاف ندارند.

ج - در مسئله چهار قول است، ولی مهم آن قول اول و چهارم است.

د - اجماع و قاعده احتیاط و روایت محمد بن مسلم، ادله قول به تحدید مطاف است و همه آنها بررسی و رد شد.

ه - دلیل قول به جواز طواف پشت مقام ابراهیم، روایت حلبی است که از نظر سند و دلالت، تمام است و اعراض فقها از آن ثابت نیست، بلکه بسیاری از فقها به آن عمل کرده‌اند.

و - بنا بر قبول قول تحدید طواف، راجع به اینکه مبدأ مطاف در طرف حجر اسماعیل، دیوار خانه است یا حجر، سه قول بیان و ثابت شد. مبدأ، دیوار حجر است.

ز - مقصود از مقام، مقام حقیقی است نه مقام عرفی.

ح - نظر فقهای اهل سنت این است که مطاف تمام مسجد است و محدود به فاصله میان خانه و مقام نیست.

طواف

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

پی نوشتها:

۱. مقام ابراهیم سنگی است در فاصله ۲۶/۵ ذراعی در خانه که حضرت ابراهیم علیه السلام [یا جهت بالا بردن دیوار خانه، یا به جهت اعلان و دعوت مردم و یا جهت شست و شوی سر] بر روی آن ایستاده است (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۳۲، مؤسسه الوفاء؛ نیز بنگرید: جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۵).
۲. مروارید، علی اصغر، *سلسله منابع الفقهیه*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه دارالاسلامیه، ۱۴۱۰ ق، ج ۷، ص ۳۱.
۳. همان، ص ۵۰.
۴. همان، ص ۱۰۶.
۵. همان، ص ۱۲۶.
۶. همان، ج ۳۰، ص ۱۴۰.
۷. همان، ج ۷، ص ۱۵۵.
۸. همان، ص ۱۸۹.
۹. همان، ص ۲۲۹.
۱۰. همان، ج ۳۰، ص ۷۹.
۱۱. همان، ج ۳۰، ص ۲۲۹.
۱۲. همان، ج ۷، ص ۲۴۱.
۱۳. همان، ص ۲۵۱.
۱۴. همان، ص ۲۹۰.
۱۵. همان، ج ۸، ص ۴۰۲.
۱۶. همان، ص ۴۳۶.
۱۷. همان، ص ۵۳۳.
۱۸. همان، ص ۷۴۹.
۱۹. همان، ص ۷۰۸.
۲۰. همان، ص ۷۴۹.
۲۱. همان، ج ۳۰، ص ۴۱۵.
۲۲. الخلیل القراهیدی، عبدالرحمن، *کتاب العین*، بیروت، منشورات دارالهجره، ج ۷، ص ۴۵۸.
۲۳. ابن اثیر، *النهایه فی غریب الحدیث والاثار*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۳، ص ۱۴۳.
۲۴. احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغه*، قم، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۴۳۲.
۲۵. محمد بن علی فیومی، *المصباح المنیر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۵۲۰.
۲۶. حجر اسماعیل علیه السلام نیم دایره ای واقع در بین رکن شامی و رکن غربی است و مدفن اسماعیل، مادرش هاجر، دختران او و تعداد زیادی از انبیا علیهم السلام است. جهت اطلاع بیشتر، ر.ک: کتاب *اخبار مکه*، ص ۳۳۴ و *فروع کافی*، ج ۴، ص ۲۱۰.

۲۷. *مناسک حج و احکام عمره*، دارالقرآن الکریم، چاپ ششم؛ *آراء المراجع فی الحج*، ص ۲۳۰ و *مسالک الافهام*، ج ۱، ص ۱۲۱.
۲۸. وی در *مدارک الاحکام* می فرماید: «و تحتسب المسافة من جهة الحجر من خارجه و ان كان خارجاً من البيت» (ر.ک: *مدارک الاحکام*، ج ۸، ص ۱۳۱، مؤسسه آل البيت).
۲۹. عبارت شهید علیه السلام در «*مسالک*» همانند عبارت مدارک است که در پاورقی قبل گذشت.
۳۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، تحقیق مؤسسه آل البيت، ج ۳، ص ۱۹۳.
۳۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۱۳، ص ۳۵۰، پاورقی.
۳۲. *مناسک حج*، ص ۱۵۸، مسئله ۲، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
۳۳. صاحب جواهر، محمد بن حسن بن باقر، *جواهر الکلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۹، ص ۲۹۹.
۳۴. *الجوامع الفقهیه*، ص ۵۷۸، انتشارات جهان.
۳۵. *سلسله ینابیع الفقهیه*، ج ۳۰، ص ۴۳۶.
۳۶. صدوق، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، قم، انتشارات المهدی، ۱۳۶۳ هـ، ج ۲، ص ۲۴۹.
۳۷. همان، ج ۱، ص ۳.
۳۸. *سلسله ینابیع الفقهیه*، ج ۳، ص ۴۳۶.
۳۹. *الجوامع الفقهیه*، ص ۵۷۸.
۴۰. شیخ انصاری، *فرائد الاصول*، جزء ۲، ص ۳۱۷، چاپ کنگره.
۴۱. *وسایل الشیعه*، ج ۱۳، ص ۳۵۰، باب ۲۸، ابواب طواف، ح ۱، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث و کافی، ج ۴، ص ۴۱۳. برخی نقل کرده اند، مقام را در عصر قریش به جهت ترس از اینکه حوادث طبیعی از جمله سیل به آن ضرر برساند، از جای اصلی (فعلی) کنند و در نزدیک خانه نصب کردند، ولی در عصر خلافت عمر به جای اصلی عودت داده شد. البته نقلهای دیگری نیز در این رابطه هست، از جمله اینکه حضرت رسول حجر را در موضع اصلی نصب کرد، بعد در زمان عمر سیل آن را از جای کند، عمر دوباره آن را در جای اصلی نصب کرد.
۴۲. طوسی، *تهذیب الاحکام*، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۱۰۸، ح ۳۵۱.
۴۳. همان.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی، *رجال نجاشی*، قم، چاپ مؤسسه نشر اسلامی، ص ۴۵۳.
۴۵. خوئی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم، مدینه العلم، ج ۲۰، ص ۱۱.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۸، ص ۳۱.
۴۷. همان، *ملاذ الخیار فی فهم تهذیب الاخبار*، ج ۷، ص ۳۹۲.
۴۸. *جواهر الکلام*، ج ۱۹، ص ۲۹۶.
۴۹. *کتاب الحج*، تقریر بحث آیت الله سید محمود حسینی هاشمی، مطبعة القضا فی النجف، ج ۴، ص ۳۱۳.
۵۰. *کتاب الحج*، تقریر بحث آیت الله حاج سید محمد محقق، ج ۳، ص ۴۳۹.
۵۱. *المعتمد*، ج ۴، ص ۳۴۱، ناشر لطفی.

۵۲. سلسله ینابیع الفقهیه، ج ۳۰، ص ۲۲۹.
۵۳. همان، ج ۷، ص ۲۴۱.
۵۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹.
۵۵. وسایل الشیعه، ج ۱۳، باب ۲۸، ابواب الطواف، ج ۲، ص ۳۵۰ و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹.
۵۶. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۹۷.
۵۷. شیخ جلیل، حسن بن زین الدین (الشهید الثانی)، منتقى الجمعان فی الاحادیث الصحاح والحسان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۳، ص ۲۶۴.
۵۸. مقدس اردبیلی، مجمع الفایده والبرهان، ج ۷، ص ۸۷، مؤسسه نشر اسلامی.
۵۹. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۱۱۴.
۶۰. معجم رجال الحديث، ج ۲۲، ص ۱۰۲.
۶۱. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۱۶ و معجم الثقات و ترتیب الطبقات، ص ۲.
۶۲. کتاب الحج، ج ۳، ص ۲۱۲ و نک: تقرير بحث حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله.
۶۳. منتهی الطالب، ج ۲، ص ۶۹۰.
۶۴. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۳۱، مؤسسه آل البيت.
۶۵. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸.
۶۶. همان، ص ۲۹۷.
۶۷. نراقی، احمد بن مهدی، مستند الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۱، ص ۲۲۴.
۶۸. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، محقق سبزواری، ص ۶۲۸.
۶۹. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸.
۷۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفایده والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ هـ، ج ۷، ص ۷۸.
۷۱. المعتمد فی شرح المناسک، ج ۴، ص ۳۴۱.
۷۲. المعتمد، ج ۴، ص ۳۴۱.
۷۳. التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۳، ص ۶۸۴.
۷۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام، بی نا، ج ۱، ص ۱۲۱، بصیرتی.
۷۵. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸.
۷۶. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۸، ص ۱۳۱.
۷۷. این نظر را در روز ۷۴/۶/۱۸ از آیت الله سید موسی شبیری رحمته الله شنیدم.
۷۸. کتاب الحج، تقرير ابحاث آیت الله سید محمد محقق، ج ۳، ص ۴۳۸.
۷۹. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸.
۸۰. بحرانی، یوسف بن احمد، حدائق الناصرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۱۶، ص ۱۱۴.
۸۱. همان.

۸۲. شافعی، محمد بن ادريس، *الام، بی نا، ۱۳۸۸* ق، ص ۷۶۱، ضم المصادر الفقهیه، ج ۱۱.
۸۳. مزنی، اسماعیل بن یحیی، *مختصر المنزی*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۸۲۰، ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۱.
۸۴. شیرازی، ابراهیم بن علی، *المهذب*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۸۸۶، ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۱.
۸۵. نووی، یحیی بن شرف، *منهاج الطالبین*، ص ۹۲۸، ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۱.
۸۶. قرّوی، احمد بن محمد، *المختصر*، ص ۶، ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۰.
۸۷. کاسائی، ابوبکر، *بدائع الصنائع*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۴۴، ضم المصادر الفقهیه، ج ۱۰.
۸۸. ابن رشد، محمد بن احمد، *بدایة المجتهد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق، ص ۵۶۲، ضمن مصادر الفقهیه، ج ۱۱.
۸۹. جزی کلبی، شیخ ابوالقاسم، *القوانين الفقهیه*، ص ۶۱۲، ضمن مصادر الفقهیه، ج ۱۱.

طهری

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

۲۶